

نقد و بررسی وامگیری قرآنی در شعر احمد مطر

عروج زهرا^۱

چکیده

احمد مطر از شاعران برجسته عراقی است که در جهان معاصر عرب شهرت بسیار دارد. از آنجا که قرآن کریم و متون دینی مرجع اصلی الهام بسیاری از شاعران است، احمد مطر نیز از این قاعده مستثنی نیست. وامگیری قرآنی در شعر او که برخاسته از درک و خرد هوشمندانه اوست، شیوه‌ای منحصر به فرد دارد. پژوهشی حاضر به روش تحلیلی-توصیفی با هدف نقد و بررسی وامگیری قرآنی احمد مطر در اشعارش انجام شد. براین اساس، با مراجعه به منابع مکتوب، رابطه نظریه تناس (بینامتنی) با اشعار مطر، وامگیری آشکار یا پنهان وی از قرآن کریم، میزان مقبولیت اقتباس‌های او، وجود «حل یا تحلیل استهزایی» با تقلید از ساختار فواصل آیات قرآن در اشعار و نمود «وامگیری تلمیحی» در شعر احمد مطر بررسی شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که نظریه تناس در رابطه با وامگیری قرآنی او بی‌معناست و نتیجه آن جلوه‌گری آشکار و پنهان وامگیری مطر از قرآن کریم، مقبولیت غالب اقتباس‌های او، فراوانی و توانمندی وی در هنر تحلیل استهزایی با تقلید از ساختار فواصل آیات قرآن در اشعارش است. همچنین اقتباس‌های فراوان او از قرآن و احادیث برای ظلم ستیزی، همگی حکایت از تربیت دینی و روحیه معنوی وی دارد.

واژگان کلیدی: شعر، احمد مطر، وامگیری قرآنی در شعر، اقتباس در اشعار

مطر، تلمیح در اشعار مطر.

۱. کارشناسی زبان و ادبیات عربی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

احمد مطر یکی از شعرای متعهد و برجسته عراقی است که در جهان عرب از شهرت فوق العاده برخوردار است. این شاعر مبارز شیعی در سال ۱۹۶۰ در روستای تنومه از نواحی بصره متولد شد. از چهارده سالگی به سرودن شعر پرداخت. شهامت زاید الوصف وی در معرفی ظلم و ستم جباران و مستکبران، او را با عنوان «شاعری انتحاری» مطرح کرده است؛ شعر وی بیانگر دردها و رنج‌هایی است که مسلمانان با آن رو به رو هستند. می‌گوید: «لعنت کل شاعر/ یعازل الشفاه والائد والصفائر/ فی زمن الکلاب والمخافر»

ولایری فوهه بندقیه/ حین یری الشفاه مستجیره!...؛ لعنت کرده‌ام هر شاعری را که در زمان سگها و پاسگاه‌ها، بالبها، سینه و گیسوان زنان عشق ورزی می‌کند. شاعری که لبهای اجیر شده را می‌بیند، اما دهانه تفنگ را نه، گیسوان بافته شده را می‌بیند، اما چوبه دار را نمی‌بیند! حرفم دعوت مردم به خروج از پرستش بندگان، و بازگشت به نور آزادی در سایه پروردگار است».

او بی‌واهمه قصاید خود را در محافل و مجامع عمومی عرضه می‌کرد تا اینکه بر اثر فشارهای حکومت بعث مجبور به ترک عراق و اقامت در کویت شد. در کویت به عنوان سردبیر روزنامه القبس به کار اشتغال ورزید. این روزنامه نقطه آغاز فعالیت‌های انقلابی او بود.؛ زیرا به راحتی اشعار موسوم به لافتات (پلاکارد) خود را چاپ می‌کرد و دوست کاریکاتوریست وی ناجی علی، هنرمند فلسطینی نیز در انتهای قصاید او کاریکاتوریست را به نمایش می‌گذاشت. عملکرد این دو همکار خشم مقامات عرب را برانگیخت و سرانجام هردو از کویت تبعید شده و به لبنان رفتند.

این شاعر متعهد تاکنون تألیفات متعددی به رشته تحریر درآورده که بیشتر آنها در لندن و در مواردی در کویت به چاپ رسیده است؛ زیرا به دلیل مسائل سیاسی، چاپ آنها در اغلب کشورهای عربی ممنوع است. از جمله تألیفات وی مجموعه اشعار وی در هفت جلد است: دیوان انی المشنوق اعلا، دیوان الساعة، ما أصعب الکلام و... است.

۲. پیشینه پژوهش

احمد مطر شاعری است که مجموعه آثارش از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته، اما وامگیری قرآنی در آثار او کمتر مورد توجه بوده است. تا کنون مقالات مشابهی با موضوع پژوهش حاضر انجام شده است، از جمله در مقاله «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر» (میرزایی، ۱۳۸۸)، نظریه بینامتنی (تناس) از دیدگاه‌های مختلف معرفی شده و هفت مورد از اشعار احمد مطر و آیات مورد اشاره در آن و رابطه بین دو متن بررسی شده است. به علاوه، همانند بسیاری مقالات مشابه در موضوع تناس، هیچ‌گونه توجیه منطقی درمورد پدیده بینامتنی میان قرآن کریم در مقاله فوق ارائه نشده است. پژوهش حاضر به مقاله فوق دارای تفاوت‌های اساسی است که عبارتند از:

- در مقاله حاضر، نظریه تناس یا (بینامتنی) به‌ویژه در ارتباط با وامگیری قرآنی با دلایل متقن رد شده است.
- انواع مختلف وامگیری احمد مطر از قرآن کریم و نیز جنبه‌های مثبت و منفی اشعارش به نقد کشیده شده است.
- اقتباس مقبول و مردود در شعر وی با ذکر شواهد متعدد بررسی شده است.
- حل یا تحلیل استهزایی با تقلید از ساختار آیات، و نیز وامگیری تلمیحی در شعر وی مورد کنکاش قرار گرفته است.

۳. نظریه تناس (بینامتنی)

تناس ترجمه اصلاح فرانسوی «intertexteL» است که در لفظ به معنای بافتن و درهم تنیدگی است و در اصطلاح به معنای تبادل و یا پیوستگی متنی است. این نظریه اولین بار توسط ژولیا کریستوا در سال ۱۹۶۶ مطرح شد که در حقیقت برداشتی از سخن استاد روسی وی، میخائیل باختین، بود به اعتقاد همفکران وی، هر متنی نوعی تناس محسوب می‌شود. رولان بارت می‌گوید: «هر متن در درون خود آثار و بقایایی از یک متن اصلی دارد که نسبت آنها، نسبت جزء به کل است». در جواب

این گروه باید گفت که بی‌اطلاعی غرب از مفاهیمی همچون اقتباس، تلمیح، سرقت ادبی و... موجب شده که تصور کنند اصلاح جدیدی ارائه کرده اند. درحالی که شواهد در اثبات -نظریه تناس، چیزی جز تکرار مفاهیم قبلی و کهن نیست. (جاسم محمد، ۱۹۹۰، ص ۲۹)

اینکه گفته می‌شود هر متنی نوعی تناس به‌شمار می‌رود و در درون خود آثار و بقایایی از یک متن اصلی دارد که نسبت آنها، نسبت جزء به کل است، نظریه جدیدی نیست، بلکه نوعی سفسطه نیز است؛ زیرا به‌طور طبیعی نوشته‌های هر انسان برگرفته از آموزش‌هایی است که در خلال سالیان متمادی کسب کرده است. با وجود آن، آثار و تألیفات هیچ نویسنده‌ای با دیگری یکسان نیست. (مفتاح، ۱۹۹۲)

۴. تفاوت اقتباس با سرقت ادبی

اقتباس در لغت به معنی پرتو نور و فروغ برگرفتن است و به مناسبت فراگرفتن علم و هنر، و ادب آموختن یکی از دیگری را اقتباس می‌گویند و در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیث، یا آیه‌ای از قرآن کریم، یا بیت معروفی را با تغییری اندک چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد هدف اقتباس است نه سرقت و انتخاب. (تفتازانی، بی‌تا)، اما سرقت ادبی آن است که نویسنده یا شاعر بخشی از آثار دیگران را با همان لفظ و معنا به خود نسبت دهد، بدون اینکه نامی از گویند اصلی ببرد. (همایی، ۱۳۶۷، ص ۸).

۵. وام‌گیری در شعر احمد مطر

شکی نیست که قرآن و متون دینی نزد بسیاری از شاعران مرجع اصلی الهام شعری است. بنابراین اولین منبع که الهام بخش شاعران از دیرباز تاکنون و تا آینده قرآن کریم است. از این رو هیچ دیوان شعری، قدیم یا جدید، نمی‌توان یافت که صاحبش از قرآن اقتباس نکرده باشد. احمد مطر نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۵-۱. انواع وامگیری شاعران

منتقدان عرب، انواع وامگیری شاعران را به دو نوع «آشکار و پنهان» تقسیم می‌کنند: اول، وامگیری آشکار همان چیزی است که در عرف به اقتباس، افتراء، تضمین استفاده شاعر از یک مصرع یا یک بیت از شعر دیگر شاعران، حل تحلیل و سرقت ادبی مشهور است. دوم، وامگیری پنهان مشتمل بر تلمیح، تلویح، ایما، مجاز و رمز است که ادیب هوشمندانه از آن استفاده می‌کند.

۵-۲. انواع وامگیری در شعر احمد مطر

۵-۲-۱. اقتباس

اقتباس یکی از انواع وامگیری در اشعار احمد مطر است. اصولاً اقتباس از قرآن کریم در شعر شاعر ما منحصر به دو نوع است:

- حسن اقتباس یا اقتباس مقبول: این نوع از اقتباس بیشتر در خطبه، پند و اندرز، نامه، قصه، امثال، مدح پیامبر و... مشاهده می‌شود.

- اقتباس مردود یا سوء تأویل: این نوع اقتباس مشتمل بر تضمین آیه کریمه در معنای شوخی و هزلیات و یا امثال آن است؛ نمونه‌های از آن در دیوان احمد مطر یافت می‌شود.

اول حسن اقتباس یا اقتباس مقبول در شعر احمد مطر

نکته قابل توجه در اشعار احمد مطر آن است که اقتباس‌های زیبا و مقبول او به مراتب فراوان‌تر از اقتباس‌های نامناسب اوست. ممکن است این سؤال مطرح شود که چگونه می‌توان عاریت گرفتن سخنی را که حاصل ذوق شاعر نیست، یک صنعت یا هنرمندنمایی نامید و عاریت‌گیرنده را از این بابت در خور تحسین و ستایش دانست؟ در جواب باید گفت که نکته اصلی در چگونگی استفاده شاعر از این صنعت است. اگر کسی آیه یا مصرع بیتی از دیگری را در فضایی مشابه کلام اول به کار گیرد، کاری هنری نکرده است، ولی اگر آن آیه یا مصرع را با ظرافت، در موقعیتی متفاوت

بیاورد، حداقل از این نظر قابل تحسین است که توانسته سخن گوینده نخستین را رنگی دیگر بدهد و در بستری تازه پیش چشم مخاطب بگذارد.

هر انسان منصفی که آیات قرآن کریم را خوانده باشد، قصیده احمد مطر را می‌پسندد، با آنکه می‌بیند او یک‌آیه کامل را از قرآن برداشته است. برای مثال، شاعر در قصیده «الامل الباقي» به بیان اوضاع حاکم در عربستان پرداخته و نفوذ آمریکا را در این کشور حتی در خانه کعبه، به زیبایی به تصویر کشیده است. وی با اقتباس بسیار زیبا از آیه ۱۰ سوره یونس می‌گوید: «از دست شما به‌سوی خانه خدا گریختیم. ناگهان در خانه خدا، کاخ سفیدی لانه کرده بود. و آخرین دعا و درخواست ما سلاحی سرد است! نومی‌دی نیست. ای حاکمان! شما را به خدا سوگند، به خاطر خدا، به خدا قرضی نیکو دهید و متقرض شوید!!». در مجموعه لافتات احمد مطر، در قصیده «بلاد ما بین النهرین» که یکی از قصاید طولانی این شاعر است، انس احمد مطر با آیات قرآن سبب شده در بسیاری از ابیات این قصیده، اقتباس و یا تلمیحی به آیات قرآن نهفته باشد:

«آیا خبر لشکر کشی به شما نرسید؟ این عبرتی برای شما بوده است. وای بر زمین افتادگان! برای کشتار مردم اسلحه فروخته می‌شود و همین سلاح‌ها با آذوقه مردم خریداری می‌شود. و اکنون دریافته‌اید که ملت‌ها سلاح اصلی هستند!! آیا چیز مباحی برای آنها گذاشته‌اید؟!». (مطر، ۱۴۵/۴، ۱۹۹۲)

دوم) اقتباس مردود یا سوء تأویل در شعر احمد مطر

همان‌طور که اشاره شد، اغلب اقتباس‌های احمد مطر از قرآن زیبا و منحصر به فرد است، اما در مواردی نیز شاعر به‌طور ناخواسته اقتباس‌هایی نابجا از آیات قرآن دارد که اقتباس مردود یا سوء تأویل شمرده می‌شود. برای مثال احمد مطر با اقتباس از آیه ۲۸ سوره مریم، به‌صورتی نامناسب و به دور از مفاهیم اخلاقی از آیه استفاده کرده است؛ زیرا این آیه مربوط به قوم مریم علیها السلام است که به ملامت به او گفتند: «ای خواهر هارون! پدرت انسان بدی نبود و مادرت نیز اهل فساد نبود»، اما شاعر در قصیده خود ضمن خلق زن هرزه‌ای، اقتباس مردودی را عرضه کرده است. (مطر، ۱۹۹۴، ۷۶/۵)

همچنین احمد مطر در قصیده «من الأدب المقارن»، به مقایسه زنی هرزه به نام فیقس با یکی از حاکمان عرب پرداخته و با مقایسه‌ای طنزگونه، شأن و منزلت حاکمان عرب را بسیار پایین‌تر از یک زن هرزه می‌داند. او با تقلید از آیه ۱۰ سوره یونس و نیز آیه ۱۱۴ سوره طه، اقتباس ناپسندی از قرآن دارد: «آخر دعواه و أولها/ قل ربی زدنی رکابا؛ آخرین و اولین درخواستش این است که بگو: پروردگارا سرنشینانم را زیاد کن» (مطر، ۱۹۹۶، ۱۶۵/۶). همانطور که اشاره شد، همه ابیات این قصیده مانند فواصل آیات ۱۹ تا ۴۰ سوره نبا است که به «ابا» ختم می‌شود، شباهت موسیقی عبارات این قصیده با آهنگ آیات یاد شده، از ارزش کار او کاسته است؛ زیرا این قصیده، زن هرزه‌ای را توصیف می‌کند.

۵-۲-۲. اقتباس همراه با حفظ معنای اصلی

اقتباس‌های احمد مطر از منظر حفظ معنای اصلی به دو نوع تقسیم می‌شود:

اول (نوعی که در آن عبارات اقتباس شده معنای اصلی را حفظ می‌کنند: اولین نمونه اقتباس از آیه ۳۴ سوره نمل یعنی در قصیده «کلمات فوق الحرائب» است که شاعر با دیدن ویرانه‌های شهر بیروت به رثای آن پرداخته و عامل اصلی ویرانی‌ها را پادشاهان مستکبر معرفی کرده و می‌گوید: «در اطراف بیروت توقف کنید و بر روحش درود بفرستید و بر او آزاری کنید. ریشها را محکم بگیرید! و از جا برکنید. باید روی خرابه‌ها نوشته شود پادشاهان وقتی به قریه‌ای وارد می‌شوند، آنجا را به فساد می‌کشند». (مطر، ۱۹۸۷، ۹۶/۱)

دوم (حل یا تحلیل استهزایی با تقلید از ساختار فواصل آیات قرآن: حل یا تحلیل در لغت به معنی ازهم بازکردن و گشودن است و در اصطلاح ادبیات به معنی به کار بردن الفاظ آیات، احادیث و مثل در گفتار و نوشتار است که به ضرورت‌های شعری و مناسبات دیگر از وزن و عبارت اصلی به طور کامل یا ناقص خارج شود. فواصل در آیات قرآن نیز همانند قافیه در شعر است. فاصله همان آخر آیه است که همانند قافیه شعر، و قرینه سجع است و وجه تسمیه آن این است که بین دو کلام فاصله می‌اندازد.

حل یا تحلیل استهزایی با تقلید از ساختار فواصل آیات قرآنی مبتنی بر تقلید استهزایی است، به طوری که نویسنده، واژگان متن اصلی را با حفظ ساختار و سیاق اولیه تغییر می‌دهد. البته برخی متعقدند استفاده از آیات قرآن بدین شیوه ناپسند است؛ زیرا قرآن قداست دارد. بنابراین، به منظور حفظ از آن تحریف از این کار باید اجتناب ورزید. در جواب باید گفت که تقلید از ساختار آیات ربطی به قرآن کریم ندارد؛ زیرا واژگان جدیدی با مدلول لغوی جدید عرضه می‌شوند این امر در صورتی محل اشکال است که کسی ادعای هموردی با قرآن و یا تمسخر آیات را داشته باشد و از آنجا که شاعر در خانواده‌ای شیعی، متعهد و پایبند به دین و قرآن پرورش یافته، از این اتهام مبرا است؛ زیرا او شاعری است که آیات قرآن چنان در درونش رسوخ یافته که وی را قادر ساخته هر سخنی را در قالب و ساختار آیات قرآن جای دهد. بنابراین با مروری بر مجموعه شعری وی کمتر قصیده‌ای از قصاید او را می‌توان یافت که رنگ و بویی از آیات قرآن نداشته باشد.

احمد مطر در قصیده «تعاون» با معرفی آمریکا و حکام عرب به عنوان عامل آشوب‌ها با تقلید از سیاق آیات اول سوره بلد، نمونه جالب توجهی را عرضه کرده است:

«اقسم بالله الصمد/ و والد و ما ولد/ و کل ما فی الدین و الدنیا ورد/ ان الرائق التی قد اکلت هذا البلد/ و ما نجا من حر نارها احد/ اشعلها فیل/ بعیدان ثقاب من حمار/ و بنقط من فهد؛ به خدای بی نیاز سوگند یاد می‌کنم. و سوگند به زاینده و هرآنچه زاید و سوگند به هرآنچه در دین و دنیا وارد گشته است که آتش‌هایی که این سرزمین را بلعیده و از سوزش آتش کسی نجات نیافته است. آن آتش را فیلی با چوپ کبریت‌های الاغی و با نقت فهد شعله‌ور کرده است». (مطر، ۱۹۹۲، ۴/۲۵) شاعر، قصیده خود را همانند سوره بلد با سوگند آغاز می‌کند. علاوه بر آن به مراعات فواصل یا سجع آیات، توجه کرده و آخر ابیاتش را به حرف دال ختم می‌کند. این قصیده موجب خشم شدید مقامات سعودی گردید، به طوری که نویسندگان وابسته به دربار سعودی در مقالات متعدد وی را ضد قرآن معرفی کرده‌اند.

قصیده «إذا الضحایا سئک» نیز یکی دیگر از قصاید سیاسی انتقادی شاعر است که در آن با اقتباس از آیات ۸ و ۹ سوره تکویر می‌گوید: «إذا الضحایا سئلت/ بأی ذنب قتلت؟/ لانتفضت

أشلاؤها وجلجلت/ بذنب شعب مخلص/ لقائد عميل!؛ آن هنگام که از قربانیان سؤال می‌شود، به چه گناهی کشته شدند؟ بدن پاره‌پاره آنها فریاد برمی‌آورد: به گناه ملتی که به رهبر سر سپرده‌ای اخلاص می‌ورزد». (مطر، ۱۹۹۷، ۳۱/۲)

نمونه دیگر، قصیده «حلم» است که شاعر با تقلید از ساختار آیه ۳۶ از سوره یوسف بیان کرده است: «ودحل معه السجن فتیان قال احدهما انی رانی اعصر خمرا و قال الاخر انی ارانی احمل فوق راسی خبزا تاكل الطیر منه نبثنا بتا و یله انا نراک من المحسنین؛ ادعا می‌کند خواب دیده همچون بشر زندگی می‌کرده است و با انتقادی گزنده از وضع موجود در کشورش می‌گوید». (مطر، ۱۹۸۷، ۹۸/۱)؛ «وقفتم ما بین یدی مفسر الأحلام/ قلت له: یا سیدی رایت فی المنام/ انی اعیش کالبشر وان من حوای بشر/ وان صوتی بقمی وفی یدی الطعام/ وانی امشی ولا یتبع من خلفی اثر! فصاح بی مرتعدا: یا ولدی حرام!/ لقد هزنت بالقدر/ یا ولدی نسّم عندما تنام/ وقبل أن اترکه تسللت من أذنی/ أصابع النظام واهتز رأسی وانفجر؛ در برابر معبر خواب و اطرافیانم خواب ایستادم و به او گفتم: سرورم! خواب دیدم همچون بشر زندگی می‌کنم و اطرافیانم انسانند و صدا در دهان و غذا در دست، راه می‌روم درحالی که کسی مرا تعقیب نمی‌کند! با غرش بر من بانگ برآورد و گفت: پسر، بخواب! و پیش از اینکه او را ترک کنم، انگشتان رژیم از گوشم خزید و سرم تکانی خورد و منفجر شد!» (مطر، ۱۹۸۷، ۹۸/۱)

یک نمونه تقلید در این قصیده، تقلید از آیه ۱ سوره بلد است که شاعر می‌گوید: «واطور/ والمخبر المسعور/ والحبّل والساطور/ ونحرنا المشنوق والمنحور/ وشعبنا المغدور/ ان المنايا فی بلادی دائره؛ قسم به طور سینا، و قسم به خبرچین هار و قسم به ریسمان و ساطور و قسم به ذبح ما برچوبه دار و بریدن گردن و قسم به ملت ما که فریب خورده، که بلاها در کشور من حلقه زده است». (المطر، ۱۹۹۲، ۱۵۰/۴) همچنین شاعر به تقلید از سبک و سیاق آیات سوره طور به بیان مصیبت‌های موجود در کشورش می‌پردازد و به عدد آیات همین سوره از قسم استفاده می‌کند و آنها را یکایک برمی‌شمارد.

تلمیح در لغت به معنای نگریستن با گوشه چشم است و در اصطلاح آن است که گوینده، نویسنده یا شاعر در ضمن کلام خود به آیه، داستان، مثل مشهور و یا حدیثی اشاره کند بدون آنکه به مورد استفاده خویش تصریح داشته باشد. (تفتازانی، بی تا) مقصود از تلمیح، تضمین بخشی از آیه، قصه یا مثل بدون حضور متن غایب می شود. در حقیقت شاعران از این طریق به شعر خویش عمق و وسعت معنای بیشتری می بخشند.



احمد مطر در قصیده «الفتنه اللقیطه» با تلمیحی زیبا و منحصر به فرد به داستان هابیل و قابیل، اسرائیل را عامل هر فتنه و نفاق معرفی کرده و می گوید: «دو نفر بودید و زمین ملک شما بود. هر یک از شما اگر می خواست زمین را با گام بلند خود بپیماید، گام های شما پس از گذشت یک نسل به هم نمی رسید. چگونه زمین بر شما تنگ شد و یکی از شما قاتل و دیگری مقتول شد؟ قابیل، ... ای قابیل! اگر نام شما در قرآن ذکر نمی شد، می گفتم محال است. چه کسی بذر فتنه بین شما کاشت؟ در حالی که اسرائیل نیز در زمین نبود؟!» (مطر، ۱۹۹۶، ۱۵/۶). در حقیقت از بعد رسانایی، تلمیح شاعر به داستان هابیل و قابیل دریچه ای بر جهان معانی است. شاعر به این وسیله با یک اشارت مجمل حکایت یا روایتی را به خدمت گرفته که اگر این ابزار را در اختیار نداشت ناچار بود عبارت مفصلی را به کار بندد.

مطهر در قصیده «اسباب النزول» با تلمیح به آیات ۶ و ۸ سوره قصص آورده است: «أنا حیران / فاذا کان فرعون حبیب الرحمن / والجنه فی ید هامان / والایمان من الشیطان فلماذا نزل القرآن؟!؛ من حیرانم اگر فرعون محبوب خدا باشد و بهشت در دست هامان باشد و ایمان از جانب شیطان باشد، پس چرا قرآن نازل شده است؟!» (مطر، ۱۹۹۶، ۳۴/۶)

شاعر در قصیده «الغریب» نیز تلمیحی به آیه ۲۴ از سوره طه دارد: «ان فرعون طغی، یا ایها الشعر/ فایقظ من رقدم/ قل هو الله أحد؛ ای شعر! فرعون طغیان کرد، کسی را که خوابیده بیدار کن و بگو او، تنها یکتاست». (مطر، ۱۹۹۶، ص ۱۶)

احمد مطر در قصیده «هذا هو السبب»، سلاطین عرب را در ردیف ابوجهل و ابولهه معرف کرده و با تلمیح به آیه اول از سوره مسد می‌گوید: «هاک سلاطین العرب/ دزینتان من ابی جهل و من ابی لهه/ نماذج من القرب/ اسلها رأس/ و اعلاها ذنب/ مزابل انیقه/ غاطسه حتی الرکب/ و سر مزابل الرتب؛ سلاطین عرب: یک‌دوجین ابوجهل و ابولهه، نمونه‌هایی همچون مشک که سرشان پایین و دمشان بالا است! زباله داندزهایی خوش‌ظاهرند که تا زانو غرق در زبته‌دان‌های درجه و رتبه هستند». (مطر، ۱۹۹۶، ۱۱۹/۶)

او از قصیده «رویا ابراهیم» با معرفی سردمدارن آمریکا به عنوان سپاه اصحاب فیل یا تلمیح به سوره فیل و نیز داستان ذبح اسماعیل توسط ابراهیم می‌گوید: «یا مولانا ابراهیم/ اغمد سکینک للمقبض/ واقبض اجرک من اصحاب الفیل/ لا تا خذک الرافه فیه/ بدین البیت الأیض! / نفذ رویاک و لا تجنح للتاویل/ یینزل کبش... لا تأمل بالتبذیل/ یا مولانا/ ان لم تذبحه ندبحک/ فهذا زمن اخر/ یفدی فیه الکبش باسماعیل؛ ای سرور ما ابراهیم! خنجرت را غلاف کن! و مزدت را از اصحاب فیل بگیر و در مورد او براساس دین کاخ سفید، رأفت به خرج نده. رؤیای خودت را اجرا کن و به راه تأویل مرو! هرگز گوسفندی نازل نخواهد شد. به امید جایگزینی مباش. ای سرورما، اگر او را ذبح نکنی ما تو را ذبح می‌کنیم اکنون زمان دیگری است که اسماعیل به جای گوسفند قربانی می‌شود!». (مطر، ۱۹۸۷، ۵۰/۱)

بنای کار احمد مطر در تلمیح، اختصار است؛ او نمی‌تواند داستان مورد اشاره خویش را به‌طور کامل نقل کند؛ چون در این صورت داستان‌گویی خواهد بود نه تلمیح. در واقع حوزه اثر تلمیح، مفاهیم مشترکی است که شاعر و مخاطب با آنها آشنا هستند و شاعر از بعد زیبایی شناختی، میان سخن خویش و آگاهی‌های مخاطب پل می‌زند، به‌طوری‌که مخاطب از کشف شباهت‌ها لذت می‌برد. بدون شک، شاعر روی محفوظات ذهنی مخاطب تأکید می‌ورزد و آنها را از لایه‌های زیرین حافظه تاریخی‌اش بیرون می‌کشد، به وی اعجابی آمیخته با لذت می‌بخشد.

در این مجال به عنوان حسن ختام به قصیده دیگری از احمد مطر با عنوان «الخلاصه» اشاره می‌شود که شاعر ضمن تلمیح به آیه ۶ سوره حمد و نیز آیه ۱۳ سوره قلم اعتقادات خود را به تفصیل بیان می‌کند: «انا لا ادعو/... الی غیر السراط المستقیم/ انا لا اهجو/ سوی کل عتل و زنیم/ و انا ارفض ان/ تصبح ارض الله غابه/ و اری فیها العصابه/ تتمطی وسط جنات النعیم/ و ضعاف الحلق فی قعر الجحیم/ هکذا ابدع فنی/ غیر انی/ کلما اطلقت حرفا/... اطلقا طلق الوالید الجیم/ و لامسیذ مجمل الذکر الحکیم/ خمس کلمات/ کما یسمح قانون الکتابه/ هی؛ من جز به راه راست کسی را دعوت نمی‌کنم. من جز گستاخ و زنازاده، کسی را هجو نمی‌کنم. من نمی‌پذیرم زمین خدا جنگل باشد و در آن جماعتی را ببینیم که در ناز و نعمت بدنشان را می‌کشند در حالی که خلق ناتوان در قعر جهنم به سر می‌برند. خداوند هنر مرا این چنین ابداع نموده است، الا اینکه هرگاه سختی بر زبان جاری می‌سازم، ولی سگ‌های خود را رها می‌سازد. آه اگر خداوند کتابش را حفظ نمی‌کرد، کتاب خدا را دایره سانسور زیر نظر می‌گرفت و هر سخنی که والب رجیمد را عصبانی می‌کرد، محو می‌نمود. آن وقت قرآن به طور مجمل مشتمل بر پنج کلمه می‌شد».

۶. نتیجه‌گیری

از بررسی اشعار احمد مطر می‌توان نتیجه گرفت که نظریه تناس در رابطه با وامگیری قرآنی، بی‌معناست. وامگیری احمد مطر از قرآن کریم، به هر دو صورت آشکار و پنهان جلوه‌گری می‌کند. غالب اقتباس‌های او مقبول است، اما در مواردی اقتباس‌های مردود نیز دارد. هنر حل یا تحلیل استهزایی با تقلید از ساختار فواصل آیات قرآن در اشعار او به وفور دیده می‌شود که این امر بیانگر توانمندی بسیار بالای او در عرصه شعراست. وامگیری تلمیح در شعر وی نمودی بسیار بارز دارد و اقتباس‌های فراوان او از قرآن و احادیث در راستای ظلم‌ستیزی و مبارزه با استبداد، یکی از درس‌هایی است که از مفاهیم دینی گرفته است و همگی حکایت از تربیت دینی و روحیه معنوی او دارد.

شیوه ابتکاری احمد مطر در تقلید از ساختار آیات قرآن از شیوه‌های منحصر به فرد او به شمار می‌رود ضمن اینکه وجود برخی اقتباس‌های نامناسب در اشعار او چیزی از ارزش کارش نمی‌کاهد؛ زیرا هدف او رساندن پیام خویش به مخاطبان است. اگرچه در این رهگذر مرتکب خطاهایی هم شده است. شجاعت او به عنوان یک مبارز منحصر به فرد است؛ او شاعری نیست که از روی ترس با نام مستعار به حیات خود ادامه دهد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳) مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
- ۱. تفتازانی، سعد الدین (بی‌تا). شرح المختصر علی تلخیص المفتاح الخطیب القروینی. قم: مکتبه العلامه.
- ۲. جاسم، محمد باقر (۱۹۹۰). التناس المفهوم والآفاق. بیروت: المركز الثقافی العربی الدار البیضاء.
- ۳. جمعه، حسین (۱۴۲۰هـ.ق). نظریه التناس. دمشق: مجمع اللغة العربیه.
- ۴. مطر، احمد (۱۹۸۹). لاقتات. لندن: تموز.
- ۵. مطر، احمد (۱۹۸۹). المشنوق أعلاه. لندن: تموز.
- ۶. مفتاح، محمد (۱۹۹۲). تحلیل الخطاب الشعری استراتیجیة التناس. بیروت: المركز الثقافی العربی الدار البیضاء.
- ۷. همایی، جلال الدین (۱۳۶۷). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.
- ۸. میرزایی، فرامرز، و واحدی، ماشاء الله (۱۳۸۸). روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر. نشریه دانشگاه ادبیات شهید باهنر کرمان، (۲۲)، ۲۹۹-۳۲۲.